

# سادات موسوی مشهد و نقش آنان در اداره حرم مطهر امام رضا علیه السلام

رضا نقدی<sup>۱</sup>

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۷

سادات موسوی از نسل حمزة بن موسی کاظم علیه السلام از جمله ساداتی هستند که از قرن چهارم وارد مشهد شدند و اداره امور حرم و نقابت سادات را بر عهده گرفتند. آنان تا اواخر عصر تیموری این مهم را عهده‌دار بودند. در این زمان به تدریج جای آنان را سادات رضوی، نسلی از موسی مبرقع، فرزند امام جواد علیه السلام گرفتند، تا اینکه شاه تهماسب اول صفوی در تشکیلات حرم تغییراتی داد و متولیان از سوی خود در حرم گمارد. سادات موسوی اگر چه به عنوان متولی انتخاب نشدند، ولی همچنان در تشکیلات حرم، مشاغلی را در دست داشتند. در این مقاله سعی شده که شجره سادات موسوی مشهد بازسازی و نقش هر یک از آنان در تشکیلات حرم مطهر روشن شود.

**کلید واژه‌ها:** حرم مطهر امام رضا علیه السلام، سادات موسوی، مشهد، تشکیلات حرم رضوی.

---

۱. بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه دایرة المعارف، E-Mail: Kadkan2003@Yahoo. CO. UK

از گزارش‌ها و اسنادی که قبل از عصر صفوی درباره حرم مطهر رضوی باقی مانده، چنین برمی‌آید که نسلی از سادات موسوی که نسیشان به حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد، از عصر سامانی به مشهد آمدند و اداره حرم و نقابت سادات ناحیه را برعهده گرفتند. بنابراین با بهره‌گیری از کتب انساب و دیگر منابع در این مقاله سعی شده تا به بازسازی نسب آنان و چگونگی اداره حرم توسط آنان پرداخته شود.

## سادات موسوی و اداره حرم در عصر سامانی

ابوالقاسم حمزة بن موسی الکاظم سرسلسله این خاندان، مردی عالم، فاضل و ثروتمند بوده است<sup>۱</sup> که احتمالاً در سال ۱۵۱ق در مدینه به دنیا آمد و در

---

۱. الحسینی المدنی، ضامن بن شدقم، *تحفة الازهار* و *زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار*، ج ۲، ص ۳۲۲.

سال ۲۰۳ یا ۲۰۴ق<sup>۲</sup> در سیرجان<sup>۳</sup>، مشهد الغربات بالصدرین<sup>۴</sup>، شهر ری، تبریز<sup>۵</sup> یا سوسفید ترشیز<sup>۶</sup> به شهادت رسید.

ابوالقاسم حمزه سه پسر به نام‌های حمزه، علی و قاسم و هشت دختر داشت.<sup>۷</sup> بعضی فقط از دو فرزند او قاسم و حمزه نام برده‌اند.<sup>۸</sup> از این میان، فرزند سوم ابوالقاسم حمزه، قاسم معروف به ابومحمد الاعرابی است<sup>۹</sup> که او شش

---

۲. بحر العلوم گیلانی، محمد مهدی، *امامزادگان ری*،

ج ۱، ص ۳۳۹.

۳. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *لباب الانساب و*

*اللقاب و الاعقاب*، ج ۲، ص ۵۹۴.

۴. صفی‌الدین محمد بن تاج‌الدین علی، *الاصیلی فی*

*انساب الطالبین*، ص ۱۸۰.

۵. فیض، عباس، *کتاب بدر فروزان*، ص ۵۹-۶۰.

۶. ترکمان، اسکندریبگ، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*،

ج ۱، ص ۸.

۷. العمری، ابوالحسن علی بن محمد، *المجدی فی*

*انساب الطالبین*، ص ۳۱۰.

۸. ابن عنبه، جمال‌الدین احمد بن علی حسینی،

*عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، ص ۲۷۹.

۹. بخاری، ابی نصر، *سیر السلسلة العلویة*، ص ۴۱.

فرزند داشت که یکی از آنها به نام احمد ابوعلی الاسود است.<sup>۱</sup>

احمدالاسود یا احمد المجدور<sup>۲</sup> اولین کس از این خاندان است که به مشهد آمد و نقیب طوس گردید. او سه پسر به نام‌های موسی ابوالحسین یا ابوالحسن، مهدی و محمد ابوجعفر المجدور داشت.<sup>۳</sup> بعضی از کتب انساب از فرزندان احمد الاسود به جای مهدی، از اسماعیل نام می‌برند که جدّ خاندان صفویه می‌باشد.<sup>۴</sup> با وجود این فخررازی تأکید می‌کند مهدی بن احمد، فرزندی به نام ابوالفتوح احمد داشته که در عهد سلطان ملکشاه در کوفن ایبورد بوده است و از او اولادی به وجود آمده‌اند.<sup>۵</sup>

از چگونگی زندگی احمدالاسود در طوس خبری نیست، ولی گمان می‌رود در اداره حرم رضوی دستی داشته و سرانجام نیز در همان‌جا درگذشته است. یکی از پسرانش به نام موسی ابوالحسین شغل نقابت را از پدر به ارث برد و نقیب مشهد شد و در همان‌جا درگذشت.<sup>۶</sup>

گزارش بالا روشن‌گر این است که سادات در این زمان در اطراف مشهد امام سکنی گزیده‌اند و احمدالاسود و پسرش ابوالحسین ریاست آنان و امور حرم را برعهده داشته‌اند. شاید اشاره ابن حوقل به اینکه گروهی در مشهد امام معتکف هستند، به همین سادات باشد.<sup>۷</sup>

محمد المجدور پسر دیگر احمدالاسود، هشت پسر بدین شرح

→ \_\_\_\_\_  
ص ۹۶.

۶. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب*، ج ۲، ص ۵۹۴؛ فخر رازی، *الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه*، ص ۹۶.

۷. ابن حوقل، *سفرنامه ابن حوقل* (ایران در صورت الارض)، ص ۱۶۹.

۱. فخر رازی، *الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه*،

ص ۹۶؛ مروزی، اسماعیل بن حسین، *الفخری*

*فی انساب الطالبیین*، ص ۲۰.

۲. ابن عنبه، جمال‌الدین احمد بن علی حسینی، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، ص ۲۷۹.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۸۰.

۵. فخر رازی، *الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه*،

←

داشت: احمد امیرجه، حسن، علی ابوالقاسم المجدور، ناصر، اسماعیل، موسی، امیرجه و حمزه. همه فرزندان افراد مذکور در هرات، طوس و نیشابور بودند.<sup>۱</sup> احمد امیرجه در هرات سه پسر به نام‌های: اسماعیل، حمزه و امیرک داشت که امیرک بلاعقب بود.<sup>۲</sup> اسماعیل یک پسر به نام محمد ابی‌یعلی در طوس داشت. بر اساس نسب نوه‌اش سید اجل جمال‌الدین ابوالبراهیم موسی بن جعفر بن محمد بن اسماعیل، مشخص می‌شود که پسرش جعفر بوده است. جمال‌الدین ابوالبراهیم نقیب مشهد بود و اولادش در زمان فخر رازی (م ۶۰۶ق) نقابت مشهد را عهده‌دار بودند.<sup>۳</sup>

پسر ابوالحسین موسی بن احمد الاسود به نام ابوجعفر نیز نقیب مشهد و

طوس بود.<sup>۴</sup> منابع اذعان دارند، این همان شخصی است که در مشهد و طوس مسکن داشت، اما املاک و ضیاعش در نیشابور بود و در عهد سامانیان در زمرة خواص و اعیان دولت به‌شمار می‌رفت و با وزرا و کتّاب ایشان مجالست و معاشرت داشت و در همه دیار خراسان از اشراف سادات بود.<sup>۵</sup> ابوجعفر به سبب اینکه نیشابور در این دوره مرکز استقرار سپهسالار و نماینده سامانیان در خراسان بوده و با اینکه در آنجا املاک و ضیاع داشته، ولی زندگی در مشهد را بر نیشابور ترجیح داده است. به نظر می‌رسد وی برای رتق و فتق امور حرم که از پدرش به او رسیده، مجاور بودن با امام رضا علیه السلام را اختیار کرده باشد. ثعالبی<sup>۶</sup> و مقدسی در

۴. ابن طباطبا، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر بن

طباطبا، مهاجران آل ابوطالب، ص ۲۹۸.

۵. جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر، ترجمه

تاریخ یمینی، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۶. ثعالبی، ابو منصور، ثمارالقلوب فی المضاف و

المنسوب، ص ۲۶۶.

۱. فخر رازی، الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه، ص ۹۶.

۲. همان.

۳. فخر رازی، الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه،

ص ۹۶.

کتاب‌هایشان از وی نام برده‌اند.<sup>۱</sup>

سلطان مسعود غزنوی (ح ۴۳۱-)

۴۲۱ق) به قولی تولیت حرم رضوی را به عالم حدیث و سید اجل، ابوجعفر محمد از آل زبارة که نقیب مشهد بود، واگذار کرد.<sup>۵</sup> بر این اساس مشخص می‌شود که در این برهه، امور حرم و نقابت سادات مشهد موقتاً از دست سادات موسوی خارج و به سید ابوجعفر، از سادات آل زبارة سبزواری منتقل شده است. ابن فندق نیز در جایی دیگر به این موضوع اشاره کرده است.<sup>۶</sup>

### سادات موسوی و اداره حرم در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی

از سادات موسوی مشهد تا اوایل قرن ششم خبری در دست نیست. به نظر می‌رسد در عصر سلجوقی آنان همچنان امور حرم را در دست داشته و مشهد را به کانون تبلیغ تشیع تبدیل

### سادات موسوی و اداره حرم در عصر غزنوی

در منابع دوره محمود غزنوی (ح ۴۲۱- ۳۸۹ق) از سادات موسوی مشهد خبری نیست. محمود اگرچه تعصب شدیدی نسبت به قرمطیان و معتزله داشت، ولی با سادات و علویان با احترام رفتار می‌کرد.<sup>۲</sup> نمونه آن را می‌توان از حرمتی که وی برای ابوالقاسم هاشمی ملقب به علوی قائل بود، دریافت.<sup>۳</sup> ابن اثیر متذکر می‌شود که محمود غزنوی مشهد امام را که پدرش - سبکتگین - خراب کرده بود، دوباره آباد کرد.<sup>۴</sup>

۱. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن

التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲. فروزانی، سید ابوالقاسم «وضعیت بارگاه رضوی از هنگام شهادت امام رضاء علیه السلام تا آغاز حکومت سلجوقیان»، فصلنامه مطالعات تاریخی ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ص ۱۱۴.

۳. بیهقی (ابن فندق)، ابوالحسن علی بن زید، تاریخ بیهقی، ص ۵۶-۵۸.

۴. ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل (تاریخ بزرگ

اسلام و ایران)، ج ۱۶، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۵. بیهقی (ابن فندق)، ابوالحسن علی بن زید، تاریخ بیهقی، ص ۵۵.

۶. همان، ص ۲۵۵.

کرده باشند، زیرا ابن اثیر گزارش می‌دهد که در روز عاشورای سال ۵۱۰ ه‍.ق شورش بزرگی در مشهد امام رضا (ع) روی داد و علت آن این بود که یک نفر علوی با یکی از فقیهان طوس در افتاد و کار این فتنه بالا گرفت، آن‌چنان که تمام اهل طوس در آن شرکت جستند و مشهد را احاطه کردند و ویران ساختند و هر که را یافتند، کشتند. در این نزاع، دارایی عده‌ای به غارت رفت. پس از این مردم مشهد از مجلس وعظی که روزهای جمعه برپا می‌داشتند، صرف نظر کردند. این حادثه باعث شد که عضدالدین فرامرزی علی، دیوار محافظی به سال ۵۱۵ ه‍.ق برای شهر بنا کند.<sup>۱</sup>

در این زمان سلطان سنجر حکم نقابت سادات موسوی را تفویض و تثبیت کرده است. اگرچه از این احکام چیزی در دست نیست، ولی در عصر سلجوقی علویان تحت ریاست نقیب

خود بودند و در پاره‌ای موارد، منشور انتصاب خویش را از سلطان می‌گرفتند.<sup>۲</sup> ابن فندق که از علمای نسابه این زمان است، گزارش دقیقی از سادات موسوی مشهد بدین شرح ارائه می‌دهد: در مشهد امیر سید جمال‌الدین ابوابراهیم موسی بن جعفر و برادرش کمال‌الدین علی نقیب بودند. فرزند ابی‌ابراهیم موسی، تاج‌الدین محمد بود. تاج‌الدین دو پسر داشت؛ بزرگ‌تر که موعظه و ذکر می‌گفت و بر اثر مریضی درگذشت که بیهقی متأسفانه از آوردن نامش خودداری کرده است. پسر کوچک‌تر جمال‌الدین ابوالحسن سیدالنقباء و کریم خراسان بود که متولی عمل نقابت بود و ریاست را بر عهده داشت. وی نابینا بود. کمال‌الدین علی در سال ۵۲۲ ه‍.ق درگذشت و بیهقی در مجلس عزای او حاضر شد. ابن فندق نیز از فرزند وی به نام سید اجل عمادالدین یحیی با عنوان سیدالسادات نقیب‌النقباء، صاحب

۱. ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ج ۱۸، ص ۲۰۶.

۲. علی بن سید، اخبارالدولة السلجوقیه، ص ۶۳.

زهد و ورع و تقوا نام می‌برد، که در سال ۵۲۹ق خوابی نیکو برایش دیده بود. فرزند دیگر کمال‌الدین علی، سید رکن‌الدین ابوجعفر داعی بود. بیهقی عقب این شخص را ذکر نکرده است، ولی از فرزندان سید اجل تقی عمادالدین یحیی یک نفر را متأسفانه بدون ذکر نام، یاد کرده که در زمان تألیف کتابش *الانساب* (تألیف ۵۵۸ق) تولیت و عمل نقابت و ریاست مشهد مقدس رضوی را عهده دار بوده است. عمادالدین در شوال سال ۵۵۹ق به طور ناگهانی درگذشت.<sup>۱</sup>

از قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری کاشی‌های شبه‌چینی و زرین‌فام با نام کاشی‌های سنجری بر ازاره حرم باقی مانده است. در قسمتی از این کاشی‌ها نسب یکی از سادات موسوی که متأسفانه نامش در کاشی نیست، بدین قرار است: «... بن یحیی بن علی

بن جعفر الموسوی انارالله برهانه» و در کاشی دیگر عبارت «السید الاجل» و در جایی «نساء اهل البيت ... بنت طاهر الموسوی» ذکر شده است. از عبارت دعایی «انارالله برهانه» برمی‌آید که شخص صاحب دعا در گذشته است. نیز «سید اجل» عنوان نقیب سادات در آن زمان بوده است. پس این شخص که نامش در کتیبه افتاده و بعضی از محققان «المعالی بن الحسین» از چینش کتیبه دیگر فرض کرده‌اند، هنوز ناشناخته است، ولی آن‌چنان که آمد، یحیی همان سید اجل تقی عمادالدین یحیی است که در تاریخ ۵۲۲ق بعد از فوت پدرش کمال‌الدین علی، نقیب و رئیس مشهد شد و ابن فندق در تعزیه پدرش حضور داشته است. سید یحیی در سال ۵۵۸ق به مرگ ناگهانی به سرای آخرت رفت و پسرش - که در کتیبه کاشی‌های حرم نام او مفقود است، در کتاب بیهقی هم ذکر نشده است و متأسفانه ابن فندق از او با ضمیر «هو» نام می‌برد و در کتاب‌های

۱. البیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *لباب الانساب و الالقباب و الاعقاب*، ج ۲، ص ۵۹۵-۵۹۶.

نیز اطلاعاتی مبنی بر اینکه چه نقشی در حرم داشته به دست نیامد.

### سادات موسوی و اداره حرم در عصر ایلخانی

شواهد تاریخی حملات به مشهد نشان داده که سادات مشهد برای حفظ این شهر و حرم امام رضا علیه السلام با حکمرانان کنار آمده و آنها نیز حرمت حرم و سادات را نگه داشته‌اند؛ هم‌چنان‌که در حمله اوّل مغولان در سال ۶۱۷ق نوغان و دیه‌های آن آسیب ندید و سید ابوتراب در طوس با مغولان همکاری کرد. در حمله دوم نیز خبری از تسخیر یا قتل عام و خرابی مشهد نیست. ولی احتمال می‌رود که فقط مردم مشهد را حَسْر<sup>۱</sup> کرده و عده‌ای از آنها را به اسیری به قراقرورم برده باشند که از آن میان فاطمه طوسی است که خود را از نسل سادات مشهد معرفی کرده است. جوینی در این باره می‌نویسد: «به وقت

نسابه‌های بعد از بیهقی، نامش ذکر نشده است - در زمان بیهقی متولی و رئیس مشهد بوده است. از آنجا که ابن فندق در سال ۵۶۵ق در گذشته است، اگر این شخص در آن زمان بیست سال از پدرش کوچک‌تر فرض شود، باید قبل از سال ۵۸۰ق در گذشته باشد و پسرش در زمان نصب کاشی‌ها حدود سی سال داشته باشد. لذا اصطلاح «انارالله برهانه» برای او معنا نمی‌دهد. بنابراین مقداری از کاشی‌ها احتمالاً قبل از سال ۶۰۰ق تهیه شده است و تاریخ خمس مائة که در کاشی‌ها حک شده، توجیه‌پذیر می‌شود.

سنگابی از حرم به سال‌های ۵۹۷ یا ۶۱۰ق باقی است که به سنگاب خوارزمشاهی معروف می‌باشد. براساس کتیبه منقور بر بدنه این سنگاب گمان می‌رود که سنگاب به سفارش و نظارت محمد بن حیدر موسوی ساخته شده و واقف آن قطب‌الدین محمد خوارزمشاه بوده است. البته جای سید مذکور در شجره سادات موسوی مشخص نشد و

۱. حَسْر: گروهی را بدون مزد به کار گرفتن.



استخلاص موضعی که مشهد مقدس علی‌الرضا علیه افضل الصلاة و التحية در آنجاست او را به اسیری بیرون آوردند و به قراقوروم افتاد»<sup>۱</sup> او در دستگاه توراکینا خاتون همسر اوگتای قاآن قدرت پیدا کرد و «بزرگان اطراف به حمایت او توسل می‌نمودند، خاصه بزرگان خراسان و جمعی از سادات مشهد مقدس به نزدیک او رفتند که در زعم او آن بود که سلاله سادات کبار است»<sup>۲</sup> سرانجام فاطمه مورد حسد و تهمت واقع شد و به دستور کیوک بعد از اذیت فراوان کشته شد و هرکس به او تعلق داشت هلاک گردید؛ از جمله جماعتی که از مشهد آمده بودند و دعوی قرابت او می‌کردند که بسیار زحمت دیدند.<sup>۳</sup>

غازان نقابت سادات موسوی را

تثبیت کرد. در این زمان طاهر و سید علاءالدین در مشهد بودند. طاهر در زمان سلطنت غازان از مشهد به اتفاق برادر خود سید علاءالدین و با بعضی از بنی اعمام متوجه تبریز شدند. سید علاءالدین در راه به قتل رسید و سید طاهر از خان مذکور نقابت به اسم خود گرفت. کارکیا نوشته که وی اول کسی است از سادات موسوی مشهد که نقیب شد و از آن وقت نقابت موسویه در نسل اوست.<sup>۴</sup> در صورتی که مطالب پیش از این، سخن وی را تأیید نمی‌کند.

خان دیگر ایلخانیان سلطان محمد خدا بنده الجایتو است. به نظر می‌رسد که نقش سید بدرالدین، نقیب سادات مشهد و احتمالاً رئیس و متولی حرم مطهر در گرویدن وی به شیعه مهم بوده است.<sup>۵</sup> خوافی در حوادث سال

۱. جوینی، عظام‌الملک، کتاب تاریخ جهانگشایی، ج ۱،

ص ۱۳۱؛ بناکتی، تاریخ بناکتی، ص ۳۹۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۴. کیاگیلانی، سید احمد بن محمد بن عبدالرحمان،

سراج الانساب، ص ۷۷۰.

۵. خوافی، فصیح، مجمل فصیحی، ج ۲، ص ۱۷؛

←

۷۰۸ق می‌نویسد که سید بدرالدین نقیب سادات مشهد رضوی پیش سلطان الجایتو آمد و سلطان او را تعظیم و تکریم بسیار نمود؛ از جمله کاسه آش بر دست خود گرفت تا سید بدرالدین مذکور آش خورد.<sup>۱</sup> البته یکی از سادات موسوی به نام صدرالدین حمزه در این زمان دفتردار الجایتو بود.<sup>۲</sup> که در محمد اعرابی نسبش با سید بدرالدین به هم می‌رسد. بدون تردید این شخص در جذب موسویان مشهد و حمایت از آنها نقش داشته است. اعتمادالسلطنه و به تبع او بعضی از محققان معاصر اشاره به تعمیر گنبد مطهر توسط سلطان محمد خدابنده اشاره کرده‌اند،<sup>۳</sup> ولی هنوز مدرکی متقن

این نظریه را اثبات نکرده است. آنچه مسلم است و شواهد فوق آن را تأیید می‌کند، اینکه مشهد در این زمان رونق داشته و مورد حمایت ایلخان شیعه بوده است؛ زیرا هنگامی که اولجایتو، غیاث‌الدین محمد فرزند خواجه رشیدالدین را برای نظارت بر امور خراسان اعزام می‌کند، خواجه در نامه‌ای به فرزندش گوشزد می‌کند که به مشهد رضوی عنایت ویژه داشته باشد.<sup>۴</sup>

از بدرالدین موسوی در جایی دیگر چنین گزارش شده که با مرگ الجایتو، یسور جغتایی طمع در ملک خراسان کرد. او از نیشابور به مشهد آمد و نقیب آنجا امیر بدرالدین موسوی با پیشکش مختصری از وی پذیرایی کرد.<sup>۵</sup> ولی وی از این پیشکشی اندک در غضب شد و بدرالدین را تکلیف به جمع آوری مایحتاج لشکرش کرد و

→ اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول*، ص ۳۰۷؛

بیانی، شیرین، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۲، ص ۶۵.

۱. خوافی، فصیح، *مجموع فصیحی*، ج ۲، ص ۱۷.

۲. ابن عنبه، جمال‌الدین احمد بن علی حسینی، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، ص ۲۲۹.

۳. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، *مطلع الشمس*،

←

→ ج ۲، ص ۳۴۱.

۴. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳، مکتوب ۲۸.

۵. همان، ص ۴۶.

محصلانی را با نقیب همراه کرد. با رفتن شاهزاده جغتایی، بدرالدین محصلان او را کشت.<sup>۱</sup> چون امیر حسین گورکان در تعقیب یسور به مشهد رسید، امیر بدرالدین پیشکش سنگینی به او داد و امیر حسین وی را تحسین کرد.<sup>۲</sup>

در سال ۷۳۳ق ابن بطوطه سیاح مغربی به مشهد می‌رسد و در ضمن گزارشی از حرم مطهر نوشته که با طاهر محمدشاه (امیر بدرالدین) که نقیب آنجا بوده، ملاقات کرده است.<sup>۳</sup>

### سادات موسوی و اداره حرم در عصر تیموری

در عصر تیموری مشهد دومین شهر بعد از هرات شد و تیموریان در گسترش آن کوشیدند. در ابتدا فرزند تیمور، میرانشاه بر اثر طغیانی که در شهر طوس رخ داد آن را با خاک یکسان کرد.

پس از این بایزید طوسی را حاکم آنجا کرد و سادات مشهد را رعایت و دلجویی تمام کرد و از آنجا به راه رادکان روان شد.<sup>۴</sup>

شاهرخ توجه ویژه‌ای به مشهد داشت و به سادات آنجا احترام و اکرام فراوان ابراز می‌کرد.<sup>۵</sup> ساخت دارالسیاده حرم رضوی منسوب به اوست؛ اگرچه هنوز سندی در این مورد پیدا نشده است. در دوره غازان نیز دارالسیاده‌های چندی ساخته شده و بعید نیست که او نیز در حرم برای سادات آنجا دارالسیاده ساخته باشد.

در عصر پادشاه مذکور، سیدی به نام میر شمس‌الدین محمد از سادات رضوی قم که نسبش به نوزده واسطه به موسی مبرقع، پسر امام جواد، به امام رضا علیه السلام می‌رسد، به مشهد آمد.<sup>۶</sup> وی قبل از این،

۴. حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله، *زبدة التواریخ*،

ج ۲، ص ۷۱۳.

۵. همانجا، ج ۳، ص ۱۱۸.

۶. مدرس رضوی، میرزا محمدباقر، *شجره طیبه*،

ص ۶۲.

۱. همانجا، ۴۷.

۲. همانجا.

۳. ابن بطوطه، *سفرنامه*، ج ۱، ص ۴۴۱.

حکومت تبریز داشت، و هنگام ورود به مشهد از نفوذی اندک برخوردار بود. پسرش امیر غیاث‌الدین عزیز بعد از او در مشهد نقیب شد.<sup>۱</sup> از این زمان سادات رضوی، کم‌کم همدوش سادات موسوی، امور نقابت سادات و حرم را برعهده می‌گیرند.

از سادات موسوی در عهد شاه‌رخ، امیر نظام‌الدین عبدالحی فرزند طاهر بود. طاهر فرزند دیگری به نام سلطان غیاث‌الدین محمد داشت که مزارش اکنون در نزدیکی فلکه طبرسی مشهد در کنار کوچه‌ای از نوغان قدیم به نام گنبد خشتی معروف است.<sup>۲</sup> نام نظام‌الدین با عنوان سلطان‌النقبا بر روی دری که به مسجد بالاسر حضرت تعلق داشته و به در مقبره خالصی مشهور است، با خط ثلث بر زمینه ساده نگاشته شده و در آن به تجدید عمارت مسجد بالاسر فرمان

داده است.<sup>۳</sup> فصیح خوافی در سال ۸۳۰ق وفات سید نظام‌الدین عبدالحی نقیب سادات مشهد مقدس را در قم نوشته است.<sup>۴</sup>

در نسب‌نامه سادات موسوی در زمان شاه‌رخ از دو نفر به نام‌های سید رضی‌الدین عبدالمطلب متولد سال ۸۳۲ق و سلطان علی‌اکبر متولد ۸۰۷ق یاد شده است.<sup>۵</sup> رضی‌الدین عبدالمطلب فرزند سلطان علی‌اکبر است و پدر علی‌اکبر به نام علاء‌المله والدین علی موسوی می‌باشد.<sup>۶</sup> چنین به نظر می‌رسد که علاء‌الدین علی باید برادر نظام‌الدین عبدالحی بوده باشد که بعد از مرگ وی تا سال ۸۳۶ق که سال فوتش بوده،

۳. کفیلی، حشمت، «معرفی ذری نفیس از موزه آستان قدس»، خراسان پژوهی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۰.

۴. خوافی، فصیح، *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۲۶۰؛ رک: خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی، *حبیب‌السیر*، ج ۴، ص ۳۳۳.

۵. خوافی، فصیح، *مجمعل فصیحی*، ج ۳، ص ۱۵۲.

۶. همان، ج ۳، ص ۲۶۰.

۱. نوایی، امیر علیشیر، *مجالس التفاتس*، ص ۹۶.

۲. سیدی، مهدی، *گنبد خشتی*، ص ۲۸.

نقابت سادات مشهد را برعهده داشته است.<sup>۱</sup>

در زمان سلطان حسین بایقراء و امیر علیشیر نوایی، اداره امور مشهد و حرم مطهر در دست سادات موسوی و رضوی بوده است، چنان که خواندمیر به سادات و نقباء روضه رضوی اشاره کرده، می نویسد امیر نظام الدین عبدالحی و امیر غیاث الدین عزیز و امیر علاءالملک در آنجا به منصب نقابت منصوب بودند و به مراسم آن مکان شریف قیام و احترام می نمودند و در «ترویج و تعمیر آن مزار قدس آثار و ضیافت صادر و وارد می گماشتند» و حالا نیز امر نقابت آنجا در دست فرزندان آن سه بزرگوار است.<sup>۲</sup>

خوشبختانه سندی ارزشمند از امیر علاءالملک موسوی به تاریخ ۹۰۶ق باقی مانده، مبنی بر اینکه شیخ محمد

حموی از بزرگان یزد به زیارت امام رضا آمده و مدتی در مسجد جامع گوهرشاد و حرم به وعظ مشغول می شود. زمانی که می خواهد عزیمت کند درخواست علمی از آستانه می نماید. بنابراین علاءالملک موسوی به او جوازی و علمی از آستانه اهدا می کند. در این سند نام پسر علاءالملک، محمد مهدی آمده و نیز در حاشیه سند، مَهر عزیز بن محمد بن محمود رضوی از سادات رضوی ذکر شده است.<sup>۳</sup> از این رو از سند مذکور برمی آید که سادات موسوی در این زمان هنوز در رأس امور حرم بوده اند و غیاث الدین عزیز رضوی نیز دستیار علاءالملک بوده است؛ زیرا در حاشیه سند، مَهر ایشان ثبت است. پس از این به سال ۹۱۲ق وقفنامه ای بر کتاب

۳. نسخه خطی مشیخه: شماره ۲۱۴۳. سند مذکور

با مقدمه و تعلیقاتی که نویسنده این سطور بر آن نگاشته، در مجموعه رسایل فارسی (دفتر دهم) از انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی منتشر می شود.

۱. همان، ص ۲۷۲.

۲. خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین حسینی، حبیب السیر، ج ۴، ص ۳۳۳.

وسيلة الخادم الى المخدوم در شرح  
صلوات چهارده معصوم باقی مانده که  
در آن خنجی کتاب مذکور را به سال  
۹۱۲ق در هرات بر حرم امام رضا علیه السلام  
وقف کرده است. او در این وقفنامه چه  
تولیت کتاب را به نقیب سادات  
خراسان محمد الحسینی الموسوی  
الرضوی قرار داده است.<sup>۱</sup> بنابراین  
مشخص نیست که آیا محمد الحسینی  
الموسوی الرضوی، فرزند علاءالملک  
است یا غیاث الدین عزیز رضوی؛ زیرا  
علاءالملک نیز فرزندی به نام  
غیاث الدین محمد داشته است.<sup>۲</sup> ولی  
آنچه مشخص است با آشفتگی  
خراسان در این زمان و تسخیر مشهد  
توسط ازبکان و سپس صفویان و دست  
به دست شدن آن میان این دو مدعی  
خراسان، دیگر از سادات موسوی در

رأس امور حرم و نقابت سادات خبری  
نیست. فقط سادات رضوی و  
غیاث الدین عزیز و فرزندانش از  
شخصیت های بلندپایه مشهد هستند که  
مطرح شده اند. در این درگیری ها  
عده ای از سادات نیز کشته شدند؛ از  
جمله این افراد نظام الدین علی شاه  
موسوی است که سنگ قبرش به تاریخ  
ربیع الاول سال ۹۱۵ تحریر شده است.  
از عبارت «شهید المعظم» بر سنگ  
مزارش برمی آید که وی در جنگ های  
میان عبیدالله خان ازبک با مظفر  
حسن میرزا و کیک میرزا شاهزادگان  
تیموری در ناحیه سنگ بست<sup>۳</sup> یا در  
جنگ قاسم میرزای تیموری با  
عبیدالله خان کشته شده باشد؛ زیرا در  
جنگ آخری ازبکان حرم را غارت  
کردند و عده ای را کشتند.<sup>۴</sup>

بر سنگ مزار نظام الدین علی شاه

۱. خنجی، فضل الله بن روزبهان، *وسيلة الخادم الى*

*المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم*،  
ص ۵۲.

۲. انزابی نژاد و همکاران، *بیست و هفتاد سال از خراسان*،

ص ۴۵.

۳. خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین حسینی،

*حبيب السیر*، ج ۴، ص ۳۸۵.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۹۸.

سلسله نسب وی ثبت است و این باعث شده که شاخه‌های دیگر از سادات موسوی مشهد هویدا شود، ولی متأسفانه از این شاخه هیچ‌گونه اطلاعاتی در منابع به دست نیامد. بر سنگ قبر مذکور مسطور است:

«الحکم لله تعالی قد نقل صاحب هذا المرقد المنور الشهيد المعظم من دار الغرور الی [دار] السرور وصل الی رحمة الله تعالی و هو عالیجاه سیادت معالی دستگاه امیر سید نظام الملة والدین علیشاه بن جعفر المعروف بنقره کان بن فخرالدین عربشاه بن جعفر بن محمد بن حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن امیرک بدرالدین بن امیر اسماعیل بن فخرالدین بن شمس الدین محمد بن [قاسم] بن حمزه و هو ابن امام الکاظم بن امام جعفر الصادق بن امام محمد باقر و هو ابن امام علی زین العابدین بن امام حسین بن امام علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین و

سلم تسليماً كثيراً كثيراً. تحريراً فی تاریخ شهر ربیع الاول سنة خمس عشر و تسع مائة من الهجرة النبوية [؟] المصطفوية».<sup>۱</sup>

با دقت در القاب علی‌شاه، جایگاه سیاسی و اجتماعی و علمی وی مشخص می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. رضائی برجکی، اسماعیل، «قبر سبز، مدفن سید نظام‌الدین علی‌شاه موسوی»، مشکوة، پاییز ۱۳۸۸، ش ۱۰۴، ص ۱۱۲.

۲. مزار نظام‌الدین علی‌شاه که در زبان مردم به اشتباه به قبر سبز یا مزار سید فخرالدین معروف است در قبرستان قتلگاه (باغ رضوان کنونی) در ضلع شمالی حرم مطهر قرار دارد. قبر سبز که به صورت آینه‌کاری بود تا چند سال پیش در شمال باغ رضوان در کنار بازار حاج آقاچان قرار داشت که به سبب توسعه حرم تخریب شد، ولی سرداب مزار با سنگ قبر بسیار نفیس نظام‌الدین علی‌شاه هنوز وجود دارد. رنگ‌های این سنگ توسط میراث فرهنگی زدوده و متن آن توسط پژوهشگران گروه انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی و میراث فرهنگی خوانده شد. سنگ مذکور به صورت صندوقی در ابعاد ۲/۵×۰/۶ متر است. سطح آن با خطوط ثلث و نسخ کتیبه‌نگاری شده و در تمام حاشیه آن

←

به هر حال در این زمان سادات موسوی و رضوی می‌کوشند با استقبال از دو مدعی خراسان و مشهد (ازبک‌ها و صفوی‌ها) املاک خود و اموال حرم را از تجاوز حفظ کنند. آنها نیز به سادات احترام گذاشته و در تکریم و حفظ اموالشان کوشیده‌اند. به عنوان نمونه در زمان فتح مشهد توسط شیبک‌خان ازبک چنین گزارش شده است که سادات عَلم سبزی با عصا و شمشیری نفیس منسوب به امام رضا علیه السلام و دیگر اساس پادشاهی

→ صلوات بر چهارده معصوم و احادیث نوشته شده است. در وسط آن شجره و تاریخ تحریر سنگ قبر کتیبه شده است. شایان یادآوری است که مشخص نیست به چه علت این قبر به مزار سید فخرالدین معروف شده و بر چه اساسی سنگی بر روی قبر بوده که بر روی آن نام سید فخرالدین از احفاد امام زین‌العابدین و تاریخ فوت ۶۷۱ برای صاحب قبر نوشته شده است. در این باره رجوع شود به (رضایی برجکی، اسماعیل، «قبر سبز، مدفن سید نظام‌الدین علی‌شاه موسوی»، مشکوة، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۱۵).

برداشته به رسم پیشکش نزد وی آوردند. شیبک نیز رعایت ادب و حرمت مخصوصی به جای آورد.<sup>۱</sup>

### سادات موسوی در عصر صفوی

از ابتدای عصر صفوی عملاً سادات موسوی از رأس امور حرم کنار می‌روند و غیاث‌الدین رضوی معروف به نظام‌الملک در اوایل عصر شاه تهماسب متولی امور حرم است. با مرگ او شاه تهماسب متولیان حرم را از طرف خود انتخاب کرد، ولی سادات موسوی همچنان امور داخلی حرم و بیوتات آن را برعهده داشته‌اند. در اسنادی که از آستانه باقی مانده، بارها به اسامی آنها اشاره می‌شود که تا عصر حاضر ادامه دارد. به عنوان نمونه شاه تهماسب در سال ۹۴۰ق در خواب می‌بیند که در بیرون پنجره پایین پای حضرت امام رضا علیه السلام، دست میر هادی موسوی محتسب را گرفته از جمیع

۱. همان، ص ۳۴۶.



مناهی توبه می‌کند.<sup>۱</sup> یا در سال ۹۷۱ق پیرمحمدخان والی بلخ با سپاهی به محاصره مشهد آمد، سادات عظام و نقبا صلاح در صلح دیده، چند نفر از سادات پیر و ارباب سادات، میرزا ابوطالب رضوی و میرغیاث‌الدین محمد و میر شریف موسوی را نزد وی فرستادند.<sup>۲</sup>

در سال ۹۷۳ق سادات و نقبای مشهد که در رأس آنها میر شریف موسوی کلانتر مشهد بود به همراه شاهزاده محمد میرزا به دربار رفتند.<sup>۳</sup>

در سال ۹۷۵ق شاه تهماسب تمام بزرگان و اشراف ایران را در قزوین گرد آورد که از جمله آنها نقبای مشهد، میر شریف موسوی و میرزا ابوالقاسم

رضوی بودند که هر دو در این سال بیمار شدند. میرشریف در دارالسلطنه به دار بقا رحلت نمود و میرزا ابوالقاسم در هزار جریب فوت شد و پیکر هر دو را به مشهد مقدس برده، در دارالحفاظ دفن کردند.<sup>۴</sup>

کیا گیلانی از سادات موسوی مشهد در سال ۹۷۶ق از شخصی به نام سید النقیب غیاث‌الدین محمد بن شریف بن نظام‌الدین علاءالملک موسوی در مشهد ذکر می‌کند.<sup>۵</sup> بر این اساس مشخص می‌شود که هنوز سادات موسوی از میان خود نقیب داشته‌اند.

### منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، *تاریخ کامل* (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه خلیلی و حالت، تهران، کتب ایران، بی‌تا.

۲. ابن بطوطه (۱۳۶۱)، *سفرنامه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، علمی و فرهنگی،

۴. همان، ج ۱، ص ۴۶۱.

۵. کیاگیلانی، سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن، *سراج الانساب*، ص ۷۶.

۱. تهماسب صفوی، *تذکره تهماسب*، ص ۲۹.

۲. قمی، قاضی احمد، *خلاصه التواریخ*، ج ۴، ص ۴۱؛

نک: روملو، حسن‌بیک، *احسن التواریخ*، ج ۲، ص ۵۴۱.

۳. قمی، قاضی احمد، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، ص ۴۵۴.

- مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶ش.
۱۲. جوینی، عطاملک، *کتاب تاریخ جهانگشای*، به همت محمد رضانی، تهران، پدیده (خاور)، ۱۳۶۶ش.
۱۳. حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله، *زبدة التواریخ*، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۴. حسینی، عبدالمؤمن بن ابوالقاسم، *کتابچه موقوفات آستان قدس رضوی*، خطی شماره عمومی ۸۵۵۷، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.
۱۵. خنجی، فضل‌الله بن روزبهان، *وسيلة الخادم الى المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم*، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۲ش.
۱۶. خوافی، فصیح، *مجمعل فصیحی*، تصحیح محمود فرخ، مشهد، باستان، ۱۳۳۹ش.
۱۷. رضائی برجکی، اسماعیل، «قبر سبز، مدفن سید نظام‌الدین علی‌شاه موسوی»، *مشکوة*، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۱۰۴.
۱۸. روملو، حسن‌بیک، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، بابک، ۱۳۷۵ش.
۱۹. سیدی، مهدی، *گنبد خشتی*، مشهد، سگال، ۱۳۸۰ش.
۳. اذکایی، پرویز، «سادات موسوی»، *دایرة المعارف تشیع*، جلد نهم، تهران، نشر شهی محبی، ۱۳۷۱ش.
۴. اوکتایی، عبدالعلی، *فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۲۵ش.
۵. بحرالعلوم گیلانی، محمدمهدی، *امامزادگان ری*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی گرگان، ۱۳۷۹ش.
۶. بخاری، ابی‌نصر، *سّر السلسله العلویه*، نجف، انتشارات شریف رضی، ۱۳۸۱ق.
۷. بناکتی، *تاریخ بناکتی*، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ش.
۸. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب*، تحقیق السید مهدی الرجائی، قم، منشورات مکتبه آیه‌الله المرعشی، ۱۴۱۰ق.
۹. ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، زیر نظر با تنظیم فهرست‌ها و مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
۱۰. *تهماسب صفوی، تذکره طهماسب*، با مقدمه و فهرست اعلام امراالله صفوی، تهران، شرق، ۱۳۶۳ش.
۱۱. ثعالبی، ابومنصور، *ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب*، پارسی‌گردان: رضا انزابی‌نژاد،

مرعشی، قم، منشورات مکتبہ آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.

۲۶. مشیخه، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۲۱۴۳.

۲۷. مدرس رضوی، محمدتقی، *سالشمار وقایع مشهد*، به کوشش ایرج افشار، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.

۲۸. مدرس رضوی، میرزا محمدباقر، *شجره طیبه*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، بازنگری سید مهدی سیدی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۴ش.

۲۹. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱ش.

۳۰. نوایی، امیر علیشیر، *مجالس النفائس*، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری، ۱۳۶۳ش.

۲۰. ضامن بن شدقم الحسینی المدني، *تحفة الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار*، تحقیق و تعلیق کامل سلمان الجبوری، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ش.

۲۱. صفی الدین محمد بن تاج الدین علی، *الاصیلی فی انساب الطالبین*، حقیقه، السید مهدی الرجائی، قم، کتابخانه عمومی آیة الله مرعشی، ۱۳۷۶ش.

۲۲. فیض، عباس، *کتاب بدر فروزان*، قم، بنگاه چاپ قم، ۱۳۲۴ش.

۲۳. قمی، قاضی احمد، *گلستان هنر*، تصحیح و اضافات احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه منوچهری، بی تا.

۲۴. \_\_\_\_\_، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ش.

۲۵. کیاگیلانی، سید احمد بن محمد بن عبدالرحمان، *سراج الانساب*، تحقیق سید مهدی رجائی، زیر نظر سید محمود

### شجره نامه موئیان و نقیاء سادات موسوی مشهد

امام موسی کاظم علیه السلام

